

مشروعیت خط ۹ نقطه‌ای اعلامیه ۲۰۰۹ کشور چین در دریای چین جنوبی

سیدفخرالدین مختاری^۱، محمدعلی صلح‌چی^۲، منصور پورنوری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۹

چکیده: کشور چین در سال ۲۰۰۹ با صدور نقشه‌ای که به دبیر کل سازمان ملل متحد داده شد، خبر از ترسیم خط ۹ نقطه‌ای در دریای چین جنوبی داد. این فواصل نه‌گانه، تمامی جزایر اصلی دریای جنوب چین را دربرمی‌گیرد. همچنین شیوه تحدید حدود با این فواصل نه‌گانه به‌گونه‌ای است که با مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره دیگر همسایگان تداخل می‌کند و اختلاف فیما بین طرفین را شدت می‌بخشد. این شیوه ترسیم خطوط حتی با پیوستن چین به کنوانسیون حقوق دریاها نیز اصلاح نگشت. فیلیپین به عنوان متضررترین و معترض‌ترین کشور، مدعی ناسازگاری خط ۹ نقطه‌ای چین با کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) گردید و تمامی اقدامات چین را برخلاف تعهداتش طبق این کنوانسیون دانست. فیلیپین با استناد به این کنوانسیون و به هدف حل اختلاف لایحه و دادخواست خود را به دیوان داورى مطابق پیوست ۷ کنوانسیون تقدیم نمود. این مقاله بر آن است تا با استناد به حقوق بین‌الملل، اعتبار استدلال مطرح شده از سوی کشورهای چین و فیلیپین را مورد بررسی قرار دهد. همچنین مقاله حاضر با تحلیل آرای صادر شده از سوی دیوان داورى در مورد قضیه چین و فیلیپین، در صدد است دستاوردی مبنی بر مشروعیت یا عدم مشروعیت خط ۹ نقطه‌ای مذکور در اعلامیه‌های صادر شده توسط کشور چین را به همراه داشته باشد.

واژگان اصلی: خط ۹ نقطه‌ای، دریای چین جنوبی، اختلاف بین‌المللی، صلاحیت، دیوان داورى.

۱. دکترای گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

solhchi@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

مقدمه

اولین نقشه خط مقطع در دریای چین جنوبی توسط حکومت ملی گرای جمهوری چین در ۱۹۴۷ منتشر شد. آن نقشه خطوطی ۱۱ گانه داشت. منشأ آن خطوط نیز نقشه‌ای است که در سال ۱۹۳۵ توسط کمیته بازبینی نقشه‌های زمینی و آبی جمهوری چین منتشر شده است. نقشه‌های چینی که بعد از پایه‌گذاری جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ منتشر شدند از نقشه‌های سابق پیروی کرده‌اند. اما چینی-ها دو خط در خلیج تونکین را حذف کرده‌اند فیلیپین به عنوان متضررترین کشور اقداماتی را برای حل اختلافات آغاز نمود و بعد از بی‌حاصلی مذاکره با چین، بر آن شد تا در سال ۲۰۱۳ مسئله مشروعیت خط ۹ نقطه‌ای ادعایی چین را به داوری دیوان دوری^۱ ارجاع دهد. بدین روی، در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳ فیلیپین با ارسال یادداشتی دیپلماتیک با استناد به ماده ۲۸۷ کنوانسیون حقوق دریاها و ضمیمه هفتم آن، درخواست آغاز رسیدگی داوری را به منظور تثبیت حقوق حاکمیتی و صلاحیت خود در "دریای غرب فیلیپین"^۲ تسلیم کرد. (US Department of State, 2014:3). دولت فیلیپین همچنین انگیزه‌های دیگر خود را برای شروع داوری، تقویت روابط دوستانه خود با چین و تعهداتش براساس ماده ۲۷۹ کنوانسیون حقوق دریاها مبنی بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات توسط راهکارهای مندرج در ماده ۳۳ منشور ملل متحد دانست. (زرگری نژاد، ۱۳۹۵: ۲۳۲).

دولت چین که بر همه جزایر واقع در این ناحیه ادعای مالکیت دارد، مبنای ادعایش مفهوم حقوق تاریخی و نقشه خط ۹ نقطه‌ای سال ۱۹۴۷ است. چین معتقد است، از آنجا که اولین کشور کاشف به و بهره‌برداری از منابع این دریا بوده و به طور مستمر و مداوم بر آن اعمال حاکمیت کرده پس مالک این پهنه آبی است. از سوی دیگر فیلیپین نیز درباره برخی جزایر چون جزایر اسپراتلی^۳، مک کلسفیلد بانک^۴ و اسکاربورو شول^۵ ادعای مالکیت دارد و همواره با چین دچار اختلاف بوده است. تنش‌ها میان این دو کشور به دلیل ورود نیروهای چینی به جزایر اسکاربورو شول در سال ۲۰۱۲ بار دیگر اوج گرفت. فیلیپین مسئله حاکمیت بر جزایر و منابع مورد اختلاف را در سال ۲۰۱۳ و بر مبنای ضمیمه هفتم کمیسیون حقوق دریاها به دیوان داوری بر علیه چین اقامه دعوا نمود. دولت وقت مانیل با اعتراض به ادعای مالکیت بر دریای مذکور توسط چین خاطر نشان ساخت که حتی

¹ Arbitral Tribunal

² West Philippine Sea

³ Spratly Islands

⁴ Macclesfield Bank

⁵ Scarborough Shoal

عارضه های جزیره ای که تحت حاکمیت چین قرار دارند نیز جزیره نیستند و به تبع منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره خاص خود ندارند. به علاوه تحدید حدود ادعای چین بر مبنای نقشه موسوم به خط ۹ نقطه‌ای بر خلاف حقوق بین الملل دریاها است. (سالاری، ۹۸، ۲۷) لذا این خطوط را از منظر حقوقی فاقد اعتبار قلمداد کرده و نامشروع دانست.

دیوان داوری پیرو دادخواست فیلیپین فرایند رسیدگی را آغاز نمود و در همان بدو امر با ایرادات متعدد صلاحیتی و ماهیتی کشور چین مواجه شد. این ایرادات در حالی از سوی کشور چین به دیوان داوری وارد می‌شد که این کشور هرگز در فرایند رسیدگی دیوان مذکور شرکت نکرد. سرانجام دیوان ایرادات وارد شده توسط چین را دارای مبنای قانونی ندانست و با صدور آرای صلاحیتی و ماهیتی ادعای مشروعیت خط ۹ نقطه‌ای چین را مردود اعلام کرد.

مقاله حاضر با تحلیل آرای صادر شده از سوی دیوان داوری در مورد قضیه چین و فیلیپین، در صدد است مشخص نماید که آیا خط ۹ نقطه‌ای مذکور در اعلامیه های صادر شده توسط کشور چین در عرصه بین المللی دارای مشروعیت است یا خیر؟ فرضیه نگارنده این است که با توجه به اصول مختلف حقوق بین الملل، خط ۹ نقطه ای اعلام شده از سوی کشور چین دارای مشروعیت حقوقی نیست.

اهمیت و ضرورت پژوهس در مورد اختلاف بین کشور چین و فیلیپین و بررسی مشروعیت خط ۹ نقطه‌ای کشور چین در این مقاله، آن هم در حالی که رای قاطع در این موضوع از سوی دیوان داوری صادر شده است، به دو دلیل است؛ نخست اینکه رای صادره از دیوان داوری بدون شرکت کشور چین در رسیدگی های دیوان صادر شد و در عمل هرگز اجرا نشد. اختلاف بین دو کشور همچنان پابرجا ماند و فیلیپین برای حل مشکل خود با کشور چین بار دیگر از طریق اقدام به مذاکره و کسب توافق جدید بین طرفین، اختلاف را حل و فصل نمود، ولذا بررسی تمامی این مراحل برای کشور ما که در حال حاضر به کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) نپیوسته است، بسیار سودمند خواهد بود. دوم اینکه از آنجاییکه آثار رای دیوان داوری فقط نسبت به طرفین پرونده اثر الزام آور دارد، در صورتی که خط ۹ نقطه‌ای ادعایی چین بر تمام کشورهای موجود در دریای چین جنوبی اثر مستقیم دارد، آثار حقوقی این رای نسبت به دیگر کشورها به چه صورت خواهد بود؟ این دو موضوع در نیاز به بررسی اسنادی مانند بیانیه رفتار طرفین^۱ که ابهاماتی در اعتبار رای صادر شده از سوی دیوان داوری به ذهن متبادر می نماید، اهمیت انجام این تحقیق را بخوبی نمایان می کند.

¹ Declaration on the Conduct of Parties in the South China Sea

هدف از نگارش این مقاله اینست است که با توسل به حقوق بین‌الملل، قواعد و مقررات کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲)، قواعد و مقررات دیوان داوری و در موارد مقتضی سایر مقررات و عرف‌های بین‌المللی، موضوعات و ابهامات مربوط به این اختلاف مورد تبیین قرار گیرد.

منطقه دریای چین جنوبی

دریای چین جنوبی^۱ یک دریای نیمه بسته^۲ در اقیانوس آرام غربی به مساحت تقریباً ۳/۵ میلیون کیلومتر مربع با صدها جزیره، پس از پنج اقیانوس جهان بزرگ‌ترین ناحیه دریایی جهان است. این دریا در قسمت جنوبی چین و تایوان، شرق ویتنام، غرب فیلیپین، و شمال برونئی و مالزی قرار گرفته که همگی آنها ادعای متعارض نسبت به منابع آن را دارند. دریای چین جنوبی شامل صدها ویژگی جغرافیایی مانند صخره‌ها در بالا و زیر آب می باشد. در دریای چین جنوبی بیش از ۲۰۰ ویژگی دریایی وجود دارد که در ۹ مجمع‌الجزایر قرار گرفتند. این ویژگی‌ها که فاقد هرگونه ساکنین بومی هستند و تنها در بخشی از آنها افرادی به خواست دولت‌ها ساکن شده‌اند، به پنج گروه تقسیم می شوند: جزایر پراتا^۳ در شمال شرقی، پاراسل^۴ در شمال، اسپراتلی^۵ در جنوب، جزایر مک کلسفیلد بانک^۶ در مرکز و اسکاربورو شول^۷ در میانه شرقی. (مسرور، حسن‌خانی، ۱۳۹۷، ۱۷۱-۱۷۲)

سابقه اختلافات در منطقه دریای چین جنوبی

اختلافات در دریای چین جنوبی به منابع دریایی و یا مرزهای جغرافیایی کشورهای منطقه محدود نمی شود بلکه نامگذاری این منطقه هم جای مناقشه دارد. این منطقه با عنوان «دریای جنوبی چین» نامی است که توسط کشورهای انگلیسی زبان استفاده می‌شود و در کشورهای که این دریا را در احاطه دارند، از عناوین دیگری استفاده می‌شود. در چین نام این منطقه «دریای جنوبی» نام دارد. در ویتنام به عنوان «دریای شرق» نامگذاری شده است. در مالزی و اندونزی با نام «جنوب دریای

¹ South China Sea (SCS)

² Semi-Enclosed Sea

³ Prata Islands

⁴ Paracel Islands

⁵ Spratly Islands

⁶ Macclesfield Bank

⁷ Scarborough Shoal

چین» خوانده می‌شود و در نهایت در بخش‌هایی از فیلیپین آن را «دریای لوزون» نامگذاری کرده‌اند که همین استفاده از نام‌های مختلف نشان از ادعاهای تاریخی است که این کشورها نسبت به تسلط بر این منطقه دارند. (عصاری ۱۳۹۳، ۱۶۴). تنش‌ها در این منطقه، از سال ۲۰۰۹ با درخواست مشترک ویتنام و مالزی به سازمان ملل برای تایید حدود فلات قاره گسترده آنها در این منطقه، شکل جدیدی به خود گرفت. چین در پاسخ به این اقدام اعتراض خود را به کمیسیون ویژه سازمان ملل در خصوص حدود فلات قاره^۱ مبنی بر رد زیاده‌خواهی و تعدی مالزی و ویتنام تقدیم کرد. این متن به وسیله یک نقشه از منطقه ادعای چین که تقریباً کل دریای جنوبی چین را شامل می‌شد همراه می‌گشت. این نقشه با ۹ خط منطقه مورد نظر چین را مشخص کرده بود که به همین اسم نیز شهرت یافت. (Poling, 2013:2).

زمینه های بروز اختلاف

چندین گروه جزیره در دریای جنوب چین مورد منازعه است. اولین گروه جزایر «پاراسل» (paracels) و به زبان چینی «زیشا» (Xisha) و دومین گروه جزایر «اسپرتلی» (Spratly) و به زبان چینی «نان‌شا» (Nansha) در دریای جنوبی که اولی مورد منازعه چین، تایوان و ویتنام و دومی مورد منازعه هر ۶ کشور چین، تایوان، فیلیپین، مالزی، برونئی و ویتنام است. ساحل «مک‌کلسفید» (Macclesfield Bank) به زبان چینی «جونگشا» (Zhongsha) و تپه زیرآبی «اسکاربرو» (Scarborough Shoal) مورد منازعه چین، تایوان، فیلیپین است و جزایر «پراتاس» (Pratas) به زبان چینی «دونگشا» (Dongsha) مورد منازعه چین و تایوان می‌باشد. (عباس زاده فتح آبادی، رضانی، ۱۳۹۶، ۶۰). مالزی نسبت به ۷ جزیره که کاملاً در منطقه جنوبی جزایر اسپراتلی است ادعا دارد، دلیل آن هم قرار داشتن در فلات قاره مالزی است. برونئی نیز مدعی منطقه انحصاری اقتصادی خود است که ۲۰۰ مایل دریایی را شامل می‌شود و ساحل «رایفلمن» (Rifleman Bank) و قسمتی از «کالایان» فیلیپین را نیز در برمی‌گیرد. ویتنام ۲۱ تا ۲۴ مورد، چین ۸ تا ۹ مورد، تایوان ۱ مورد، فیلیپین ۸ مورد، مالزی ۳ تا ۶ مورد را اشغال کرده‌اند. هر یک از این کشورها شیوه‌های مختلفی را برای اعمال حاکمیت خود به کار گرفته‌اند. از کاربرد نظامی گرفته تا برافراشتن پرچم، اشغال جزایر، ساخت امکانات، ایجاد ساختارها و نشانه‌گذاری جزایر. هر کشور تاریخ خود را برای دفاع از حق

¹ Commission on the Limits of the Continental Shelf (CLCS)

مالکیت بر این جزایر ارائه می‌دهد. چین به واسطه قدرت در حال کسب و افزایش توان خود به دلایل چندی نسبت به دریای جنوب چین ادعای حاکمیت مسلم دارد که از آن جمله می‌توان به دارا بودن نزدیک به ۱۱ میلیارد بشکه ذخایر تثبیت شده نفت خام، ۱۰ درصد از تولیدات ماهی جهان، ۱۹۰ تریلیون فوت مکعب که می‌تواند نزدیک به ۱۰۰ سال نیاز وارداتی گاز چین را تأمین کند. اشاره کرد. (عباس زاده فتح آبادی، رمضانی، ۱۳۹۶، ۷۹). ادعای چین در مورد حقوق خطوط ۹ گانه در اوضاع و احوالی اعلام شده است که تمام کشورهای منطقه ای در مورد جزایر و منابع آن، خطوط مرزی و حتا ماهیت جزایر و عارضه های جغرافیایی اختلاف نظر دارند.

ادعاهای فیلیپین

کشور فیلیپین خط ۹ نقطه‌ای ترسیم شده توسط کشور چین را ناسازگار با کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) و برخلاف حقوق و مالکیت خود بر منافع و منابع موجود در قلمرو دریایی قانونی خود مطابق با قوانین و مقررات این کنوانسیون میدانست. فیلیپین ادعا می‌کرد که چین با سواستفاده از حقوق حاکمیتی و آزادی‌ها مطابق کنوانسیون، بطور غیر قانونی ماهیت عوارض و خشکی-های منطقه را از طریق ساخت و سازهای غیر قانونی، تغییر داده است که این اقدام ناقض مقررات کنوانسیون می‌باشد. فیلیپین در ابتدا با توسل به راه های سیاسی و انجام مذاکرات سعی به حل اختلاف ناشی از خط ۹ نقطه‌ای کرد که در این مسیر توفیقی حاصل نمود و دریافت که تلاش‌هایش با شکست روبرو شده و بی نتیجه مانده است. نهایتاً این کشور در سال ۲۰۱۳ برای حل اختلاف خود با چین به روش داوری اجباری که در ضمیمه هفتم کنوانسیون پیش‌بینی شده است، متوسل شد.

ادعاهای سایر کشورهای منطقه

ادعای کشور بروئی بیشتر به گسترش منطقه انحصاری اقتصادی جزایر اسپراتلی است و این کشور هیچ ادعای رسمی در خصوص جزایر پاراسل ندارد. ادعای کشور کامبوج بر بخش‌هایی از خلیج تایلند، بر اساس حقوق دریایی و اصول منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره استوار می‌باشد. استناد این کشور هم به تاریخچه این خلیج برمی‌گردد اما کامبوج توافقنامه ای را با تایلند و مالزی امضا نکرده و در مقابل در سال ۱۹۸۲ توافقنامه‌ای دریایی را با ویتنام امضا کرده است و همچنین دو کشور در سال ۲۰۰۶ اعلام کردند قصد دارند منابع نفتی خلیج تایلند را به اشتراک بگذارند. ادعای

کشور اندونزی محدود به رعایت اصولی مرزهای دریایی بر اساس منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره است و هیچ ادعای دیگری در خصوص جزایر دریای جنوبی چین ندارد.

ادعای کشور مالزی تنها محدود به مرزهای منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در دریای جنوبی چین بوده که بر این اساس سه جزیره از جزایر اسپراتلی را شامل می‌شود و ادعای دیگری بر جزایر پاراسل ندارد. این کشور بر اساس قانون مناطق دریایی، بر بخش‌هایی از خلیج تایلند ادعای مالکیت داشته، در همین خصوص در سال ۱۹۷۹ توافق نامه ای را با تایلند به امضا رسانده است. تایوان بر همه دریای جنوبی چین ادعای حاکمیت داشته است و بر جزایر اسپراتلی و پاراسل نیز ادعای مالکیت دارد. همچنین این کشور جزایر پراتاس را نیز تصرف کرده و ادعای تایوان مانند ادعای چین در این منطقه است. ادعای کشور تایلند حاکمیت بر تمام خلیج تایلند است و استناد این کشور هم بر اساس قانون مناطق دریایی است و در سال ۱۹۷۹ توافق نامه همکاری با کشور مالزی در خصوص اکتشاف و توسعه آن به امضا رسانده است و در سال ۱۹۹۷ نیز با ویتنام توافقنامه تحدید حدود مرزهای دریایی را امضا کرده است. ویتنام نیز بر اساس اصول فلات قاره و مناطق انحصاری اقتصادی و بخش‌های قابل توجهی از دریای جنوبی چین ادعای حاکمیت داشته و همچنین ادعای مالکیت بر تمام جزایر اسپراتلی را دارد. ویتنام که حدود ۲۰ جزیره از این مجموعه جزایر را به اشغال خود درآورده و بر جزایر پاراسل نیز ادعای حاکمیت دارد، استناد می‌کند که در سال ۱۹۷۴ با زور و تهدید چین از این جزایر بیرون رفته است. این کشور بر اساس اصول منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بر بخش‌هایی از خلیج تایلند نیز ادعای حاکمیت می‌کند و در سال ۱۹۸۲ نیز توافقنامه ای را با تایلند امضا کرد که زمینه را برای همکاری های بعدی این دو کشور فراهم می‌کند. آنها در سال ۱۹۹۷ توافقنامه تعیین و تحدید حدود مرزهای دریایی را به امضا رساندند. در سال ۲۰۰۶ ویتنام با کامبوج اعلام کردند که قصد دارند منابع نفتی خلیج تایلند را به صورت مشترک برداشت کنند (عصاری ۱۳۹۳، ۱۶۵). ژاپن و کره جنوبی به دلیل اهمیت کریدور ارتباطی دریای جنوبی چین به عنوان شاهراه ارتباطی شرق آسیا و وابستگی این دو کشور به انرژی منتقل شده از این مسیر، خود را درگیر در مناقشه می‌بینند. ژاپن حدود ۶۰ درصد و کره جنوبی در حدود ۶۵ درصد از انرژی خود را از طریق این مسیر تامین می‌کنند. البته در مورد ژاپن باید اختلافات تاریخی را نیز به آن اضافه نمود. از سوی دیگر ژاپن نیز نظیر همه همسایگان چین از خیزش این کشور و نتایج احتمالی آن نگران بوده است و سعی در اتخاذ موضع تدافعی و محتاطانه در قبال این کشور دارد. (مسرور، حسن‌خانی،

۱۳۹۷، ۱۸۷). اعتراض‌ها به ادعاهای گسترده دریایی چین، اکنون دیگر محدود به همسایگان آن دولت نیست. خط ۹ نقطه‌ای چین، حتی باعث اعتراض سایر کشورها جهان نیز شده است. آمریکا به ترسیم این خط به دلیل ایجاد محدودیت در اصل آزادی دریانوردی اعتراض کرده است.

اختلاف بر سر ماهیت جزایر اسپراتلی

یکی از اختلافات اولیه و شاید مهمترین اختلاف بین فیلیپین و چین، مربوط به مجموعه جزایر اسپراتلی است. از جمله مسائل مورد اختلاف در خصوص جزایر اسپراتلی، ماهیت آنهاست. تعیین ماهیت آنها از آن جهت حائز اهمیت است که این موضوع با میزان مناطق دریایی مجاورتی که از آن بهره‌مند خواهند بود، رابطه مستقیم دارد. کنوانسیون حقوق دریاها تفاوت مهمی را بین جزایر، صخره‌ها، برآمدگی‌های جزری، تأسیسات مصنوعی و برجستگی‌های غوطه‌ور در آب گذاشته است. در حالی که جزایر و نوع خاصی از صخره مسکونی یا صخره‌های دارای حیات اقتصادی، می‌توانند همان مناطق دریای را داشته باشند که سرزمین اصلی از آن بهره‌مند است، سایر عناوین مذکور یا در تعیین خط مبدا موثرند یا نهایتاً از ۱۲ مایل دریایی سرزمینی برخوردارند. (چرچیل، وگن لو، ۱۳۸۱، ۸۵). با حذف مناطق دریایی ماورای ۱۲ مایل، وضع به سود فیلیپین خواهد چرخید، چرا که این کشور منطقه انحصاری اقتصادی بیشتری را از آن خود خواهد کرد. فیلیپین با آگاهی از همین امر، در دادخواست خود از دیوان داوری، تقاضای تعیین ماهیت جزایر اسپراتلی را کرد و از هیئت داوری خواست تعیین کند آیا بر اساس ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها برخی از برجستگی‌های دریایی که مورد ادعای چین و فیلیپین هستند، جزیره، برآمدگی‌های جزری یا کناره‌های غوطه‌ور در آب^۱ است و آیا آنها قابلیت برخوردارگی از مناطق دریای بیش از ۱۲ مایل دریای را دارند. در مورد جزایر اسپراتلی به طور خاص، چین تا زمان صدور یادداشت کتبی خود که در سال ۲۰۱۱ در جواب به فیلیپین تسلیم داشت، به صورت صریح از حق مناطق دریای بیشتر از دریای سرزمینی سخن نگفته است. پیش از آن هم، در اعلامیه دریای سرزمینی ۱۹۵۸ و از قانون داخلی سال ۱۹۹۲ خود راجع به دریای سرزمینی و منطقه نظارت قائل به ۱۲ مایل دریای سرزمینی برای جزایر دور از سرزمین اصلی شده است که اسپراتلی هم از جمله آنهاست. اما از سال ۲۰۱۱ به صراحت از حق جزایر اسپراتلی مبنی بر دارا بودن منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره تحت کنوانسیون حقوق دریاها سخن گفت. امری که نه تنها با تصور فیلیپین نسبت به این

^۱ Submerged Banks

مجموعه جزایر، بلکه با تصور هیچ‌کدام از دولت‌هایی که به اعلام فلات قاره در دریای جنوب چین مبادرت کرده‌اند، سازگار نیست (زرگری نژاد، ۱۳۹۵، ۲۳۹).

تاریخچه ادعای حاکمیت مستمر چین

چین معتقد است از آنجا که اولین کشور کاشف و بهره‌بردار از منابع این دریا بوده و به طور مستمر بر آن اعمال حاکمیت کرده، پس مالک این پهنه آبی است (محمودی، راستگوافخم، ۱۳۹۴، ۲۷۷-۲۷۸). مسئله دشوار این است که چین از سویی ادعای حاکمیتی تاریخی بر این دریای حاشیه-ای اقیانوس آرام دارد و براساس اسناد تاریخی که به ۴ قرن قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد، حضورش را قانونی و مشروع تلقی کرده و حاضر نیست هیچگونه عدولتی از آن را بپذیرد. (عباس زاده فتح آبادی، رضائی، ۱۳۹۶، ۶۱). از سوی دیگر این کشور با جزیره دانستن برخی ویژگی‌های دریایی، آنها را مبدا برخوردار از حقوق دریایی می‌داند. روشن است که تا دهه ۱۹۳۰ میلادی چین تنها دولتی است که به صورت منظم بر این جزایر ادعای حاکمیت داشته، اما در عین حال، حاکمیت خود را به صورت موثر اعمال نکرده است. نخستین نقشه تحدید حدود سرزمینی چین در قرن بیستم به سال ۱۹۱۳ برمی‌گردد که هیچ مرزی در آن نشان داده نشده است. تنها سند قابل اتکاء در این نقطه تاریخی، نخستین قانون اساسی این کشور است که در آن حاکمیت سرزمینی جمهوری چین را ادامه حاکمیت سرزمینی امپراتوری چین خوانده است. پس از آن تا دهه ۱۹۳۰ میلادی هیچ نقشه رسمی‌ای از سوی حکومت چین منتشر نشد. نخستین بار جزایر اسپراتلی و پاراسل به صورت واضح در آن سال‌ها جزو حاکمیت چین به نمایش گذاشته می‌شوند که امروزه نیز همان نقشه مورد ادعای چین است. با این حال، باید به علت انتشار این نقشه‌ها توجه داشت. اگرچه چین مدعی است که نقشه فواصل یازده‌گانه در دهه ۱۹۳۰ منتشر شده است، اما در آن دهه حاکمیت موثر جزایر اسپراتلی به صورت مشخص به دست فرانسویان بوده است و چین در راستای ادعای خود تنها به انتشار نقشه بسنده کرد. با توجه به رویه حاکم در روابط دولت‌ها در آن مقطع زمانی، چنین به نظر می‌رسد که چین تصرف موثر و واقعی خود را نسبت به این جزایر کاملاً از دست داده بود و هیچ نشانه‌ای از اعمال حاکمیتش بر آن جزایر در دسترس نیست. در پایان دهه ۱۹۳۰ میلادی ژاپن شروع به تصرف جزایری از این مجموعه جزایر کرد. تصرف‌های ژاپن تا حدی ادامه می‌یابد که تا پایان جنگ جهانی دوم، دریای جنوب چین کاملاً در اشغال آن کشور درآمد. چنین به نظر می‌رسد که تاریخچه ادعای حاکمیت مستمر چین نسبت به جزایر اسپراتلی به بعد از ترک نیروهای فرانسوی و ژاپنی از برخی از

جزایر اشغال شده، پس از پایان جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. کشتی‌های گشت چینی پس از اتمام جنگ به سمت جزایر اسپراتلی روانه شدند و در سال ۱۹۴۷ پادگانی در یکی از جزایر آن تأسیس شد. پس از آن که جمهوری خلق چین به وجود آمد، تا دهه ۱۹۸۰ میلادی اثری از حضور فیزیکی چین در جزایر و اشغال آنها در دست نیست. با این حال، نمی‌توان ادعاهای مستمر جمهوری خلق چین را نسبت به آن نادیده گرفت. در کنار جمهوری خلق چین، تایوان (چین ملی) به روایتی از ۱۹۵۶ و بنا به سوابق دقیق‌تر از دهه ۱۹۷۰ میلادی در این جزایر حضور داشته است. بدین ترتیب چنین به نظر می‌رسد ادعای چین نسبت به جزایر اسپراتلی حداقل تا پیش از جنگ جهانی بر پایه‌های محکمی استوار نیست؛ چرا که عملاً تصرف و اعمال حاکمیت آن جزایر در دست دیگر کشورها بوده است. شواهد نشان می‌دهند چین از پایان جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۸۰ میلادی به صورت فعال‌تری در جزایر اسپراتلی مستقر شده و از این دوره به بعد موضع قوی‌تری را نسبت به ادعای حاکمیت خود نشان داده است. با پایان جنگ جهانی دوم، فیلیپین که به تازگی به استقلال دست یافته بود، تمامی سرزمین‌های تحت اشغال ژاپن را متعلق به خود می‌خواند اما تا کنفرانس سانفرانسیسکو در سال ۱۹۵۱ که برای تصمیم درخصوص سرزمین‌های اشغالی ژاپن تشکیل شد، هیچ ادعایی نسبت به اسپراتلی نداشت. شایان ذکر است هیچ‌کدام از دولت‌ها در آن دوره، ادعای حاکمیت خود را به صورت تصرف یا اشغال نشان نداد. (زرگری نژاد، ۱۳۹۵، ۲۳۶، ۲۳۷).

قواعد قابل اعمال حقوق بین الملل برای تعیین حاکمیت بر جزایر و عوارض جغرافیایی

با وجود مقررات جامع کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲)، این کنوانسیون موضوعات مربوط به حاکمیت را روشن نساخته است و برای رفع تردید و تعارضات موجود در این زمینه می‌بایست به سایر اصول و قوانین حاکم در حقوق بین الملل مراجعه کرد.

قاعده سرزمین بی‌صاحب^۱

این واژه لاتین از حقوق رومی نشأت می‌گیرد و از قدیم برای اشاره به سرزمینی مورد استفاده قرار گرفته است که هیچ کشوری حاکمیتش بر آن سرزمین را اعمال نکرده و بطور صریح یا ضمنی هم بیان

^۱ terra nullius

نکرده باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی صحرای غربی هم اعلام داشته است که یکی از راه‌های قانونی کسب سرزمین، اشغال سرزمینی است که متعلق به هیچ دولتی نیست.^۱

یکی از استدلال‌ات کشور فیلیپین برای حاکمیت خود بر جزایر اسپراتلی همین قاعده حقوق بین‌الملل می‌باشد. این کشور ادعا میکند که بعد از خروج ژاپن از جزایر اسپراتلی، هیچ کشوری از جمله چین نسبت به این جزایر ادعای حاکمیتی مطرح نموده است و فیلیپین حق داشته بر اساس این اصل حقوق بین‌الملل این جزایر را تحت حکومت کشور خود قرار دهد. در مقابل کشور چین ادعا می‌کند که نیازی به اعلام مجدد حاکمیت خود بر جزایر اسپراتلی نداشته است چراکه منشا تصرف این جزایر توسط کشورهای فرانسه و ژاپن غیر قانونی بوده است و اشغال نامشروع بعدی، حاکمیت مشروع قبلی یک کشور را نمی‌تواند منتفی سازد. در نتیجه باید منشا قانونی یا غیرقانونی بودن اشغال جزایر اسپراتلی مشخص گردد.

قاعده ثبات مرزها^۲

اصولا مرزها به علت رعایت نظم عمومی در جامعه بین‌الملل تغییر نمی‌کنند. قاعده ثبات مرزها در چارچوب اصل ثبات سرزمین و در قالب اصول سستی تصرف سرزمین ماندگار می‌شود و با توجه به اصل احترام به تمامیت ارضی دولت‌ها، این دکترین کارکرد مهمی در جامعه بین‌المللی کشورها دارد و به عنوان یک قاعده تثبیت شده بین‌المللی شناخته شده است و بیانگر این است که سرزمین هیچ‌گاه نباید مورد تجاوز، تهاجم، یا تجزیه غیر قانونی قرار گیرد، قلمرو کشور به صورت یک کل مصون و تجزیه‌ناپذیر است و نمی‌تواند با توسل به زور از خارج دگرگون و یا تجزیه یابد (اناری، ۱۳۹۷، ۱).

مبتنی بر این قاعده مرزهای زمان استعمار، پس از استعمارزدایی تغییر نمی‌کنند و ثابت می‌مانند. فیلیپین که از جمله مستعمرات کشور فرانسه بوده است، چنین ادعا می‌کند که در راستای این قاعده کشورهای دیگر از استعمار رهایی یافته‌اند مالک سرزمین‌های تحت حکومت کشور استعمارگر هستند و لذا فیلیپین نیز مالک جزایر اسپراتلی است که در اشغال فرانسه بوده است اما براساس نظریه دیوان بین‌المللی دادگستری زمانی یک دولت رهایافته از استعمار می‌تواند به این اصل استناد جوید که دولتی که سابقا بر آن سرزمین تصرف داشته است، آن را به یکی از جانشین‌های خود منتقل سازد. در نتیجه فارغ از اینکه منشا تصرف

¹ ICJ, Western Sahara, Advisory Opinion of 16 October 1975, para. 79

² Uti Possideris

فرانسه قانونی بوده است یا خیر، از آنجاییکه کشور فرانسه این جزایر را بطور روشن و صریح به فیلیپین واگذار نموده است، استدلال کشور فیلیپین در این باب قابل قبول نخواهد بود.

جزیره از نظر کنوانسیون حقوق دریاها

از منظر کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها، برای اینکه منطقه‌ای به عنوان جزیره محسوب و از حقوق دریایی خاص خود بهرمنند گردد، لازم است ۳ شرط را رعایت نماید. اول اینکه، خشکی به طور طبیعی شکل گرفته باشد و به وسیله آب محاصره شده باشد و هنگام مد آب، بالای آب قرار بگیرد. به این موضوع در ماده ۱۲۱ کنوانسیون پرداخته شده است و صخره‌هایی که قابل سکونت بشر نباشد و یا زندگی اقتصادی خود را تامین نکند، منطقه انحصاری اقتصادی و یا فلات قاره تعلق نخواهد گرفت.

برآمدگی‌های جزری

برآمدگی جزری یک منطقه خشکی طبیعی است که در جزر آب در محاصره و در بالای آب قرار می‌گیرد اما در مد آب زیر آب فرو می‌رود. فیلیپین ادعا می‌نماید که جزایر اسپراتلی جزو برآمدگی‌های جزری بوده و طبق ماده ۱۳ کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) این برآمدگی‌های جزری برخلاف جزایر از مناطق دریایی برخوردار نمی‌گردند و کشور چین حتی اگر بتواند حاکمیت خود را بر برآمدگی‌های جزری اسپراتلی ثابت نماید، خط ترسیم شده توسط آن کشور که این برآمدگی‌ها را دارای مناطق دریایی لحاظ کرده است، دارای پایه و مبنای قانونی نیست. واضح است، چنانچه این جزایر را تحت رژیم حقوقی ماده ۱۳ کنوانسیون و نه ماده ۱۲۱ آن بدانیم نتیجه بسیار متفاوت می‌شود. چین حتی با فرض حاکمیت بر آن جزایر نمی‌تواند مدعی آب‌های مجاور آن باشد.

آب‌های تاریخی^۱

دکترین آب‌های تاریخی در اوایل قرن بیستم در حقوق بین الملل دریاها مطرح شد. با گذشت بیش از یک قرن از عملی شدن دکترین مزبور در بین دولت‌ها، تا به امروز می‌توان شاهد پیشرفت اندکی بود. در کنوانسیون ۱۹۵۸ دریای سرزمینی و منطقه نظارت و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مقرراتی در خصوص آب‌های تاریخی وجود ندارد. با وجود این، امروزه در حقوق بین الملل، تعداد زیادی از

^۱ Historic Title

دولت‌ها با استناد به دکترین آب‌های تاریخی درصددند حوزه صلاحیتی خود را در دریاها توسعه دهند، اما فقدان مقرراتی صریح و مشخص در این زمینه به بروز اختلافاتی در سطح بین‌المللی منجر شده است، در نتیجه وضعیت آب‌های مزبور در هاله‌ای از ابهام است. (میرعباسی، کیخسروی، ۱۳۹۶، ۸۹۵).

مفهوم آب‌های تاریخی در حقوق بین‌الملل

آب‌های تاریخی قسمتی از آب‌های آزاد را تشکیل می‌دهد که مشمول وضعیت استثنایی هستند و دولت مدعی با اثبات این شرایط استثنایی و خلاف اصل و قاعده، می‌تواند حدود دریایی‌اش را به فراتر از حدود دریایی پذیرفته شده بین‌المللی گسترش دهد. ادعای مذکور می‌تواند این نتیجه را در پی داشته باشد که با حاکمیت کامل و حقوق انحصاری بر آبهای تاریخی اعمال کند یا حقوق محدودتری را وضع نماید. مانند ماهیگیری^۱. هر دوی این موارد تحت عنوان حقوق تاریخی قرار می‌گیرند. اما تنها مورد اول به عنوان آب‌های تاریخی شناخته می‌شود. در حالی که مورد دوم حقوق تاریخی غیر انحصاری نامیده می‌شود که در این معنا همراه با ادعای حاکمیت کامل نیست (Blum, 1965:247-248).

بنابراین واضح است که حقوق تاریخی نسبت به آب‌های تاریخی مفهوم گسترده‌تری دارد. به عبارت دیگر حقوق تاریخی لزوماً به معنی حاکمیت نیست، بلکه بیشتر مراد از آن حقوقی است که دولت به صورت تاریخی در محل داشته است. حقوق تاریخی، حقوق خاصی است که یک دولت در نقض قواعد عام موجود و یا اعمال اقتدار محدود بر منطقه خاصی از دریای آزاد، بدون آن که ادعای حاکمیت بر آن منطقه داشته باشد، برخوردار می‌شود. یکی از مهمترین مسائل حقوق تاریخی صید شیلات می‌باشد. (Gioia, 1984:328-329)

عناصر لازم برای شکل‌گیری حقوق تاریخی تقریباً مشابه عناصر لازم برای شکل‌گیری عرف است این عناصر به ترتیبی که در ذیل آمده بررسی خواهد شد.

^۱ در قضیه فلات قاره تونس/لیبی، دولت تونس ادعا می‌کرد از حقوق تاریخی تثبیت شده‌ای برخوردار است از جمله: منابع شیلات ثابت و مشخص که قرن‌ها مورد بهره‌برداری بوده و توسط سایر دولتها مورد شناسایی قرار گرفته است. تونس معتقد بود این حقوق باید در تحدید حدود مناطق دریایی‌اش لحاظ شود.

ICJ Report, 1982: 97,99

همچنین در قضیه قطر علیه بحرین، دولت بحرین ادعا می‌کرد چون در این منطقه از حق تاریخی صید مروارید برخوردار است لذا تحدید حدود باید با این حق تاریخی صورت گیرد.

ICJ Report, 2001: 1,34

کنترل موثر^۱

به طور کلی دو عنصر بر شکل گیری آب های تاریخی لازم است. از یک طرف دولت مدعی باید اراده اش را نشان دهد و از طرف دیگر دولت های ذینفع رضایت خود را هرچند به صورت ضمنی ابراز دارند. این عناصر برای شکل گیری حقوق تاریخی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است (امین زاده، شارق، ۱۳۹۷، ۷۸).

موثر بودن در معنای گسترده از دو عنصر تشکیل می شود: اعمال حاکمیت عینی و گذشت مدت زمان قابل ملاحظه، تا علاوه بر احراز حاکمیت موثر واکنش سایر دولت ها نیز در رابطه با آن ادعا آشکار گردد. یعنی علاوه بر معیار عینی معیار ذهنی هم لحاظ گردد. (Blum, 1965:101). در قضیه گرینلند شرقی و به دنبال آن در بسیاری آرای دیگر به وضوح بیان شد، در مواردی که ادعای حاکمیت بر پایه افعال یا عناوین مشخص مانند معاهده انتقال نبوده و بلکه فقط بر اساس اعمال مداوم حاکمیت است، این ادعای حاکمیت باید دارای دو عنصر باشد که وجود هر دو آنها باید اثبات شود: ۱- قصد و اراده برای رفتار کردن به عنوان یک حاکم و ۲- انجام یا اعمال واقعی چنین صلاحیتی (Denmark, 1965:25). در اختلاف میان دانمارک و نروژ در خصوص گرینلند شرقی، نروژ مدعی بود که در ۱۹۳۱ که او گرینلند را اشغال کرده است، آنجا سرزمین بلاصاحب بوده است در حالیکه دانمارک به دلیل مختلف از جمله کشف، مدعی بود که تمام جزیره متعلق به اوست. در نهایت اختلاف در ۱۹۳۳ به دیوان ارجاع شد و دیوان نیز در رای نهایی خود اعلامیه نروژ مبنی بر اشغال منطقه و تمام اقدامات بعدی در این رابطه را نقض وضعیت قانونی موجود و در نتیجه غیر قانونی و غیرمعتبر دانست (عمید، ۱۳۸۶، ۱۴).

زمان

همانطور که از کلمه "تاریخی" بر می آید، حق تاریخی باید در طول زمان شکل گیرد. گذشت زمان از آن جهت حائز اهمیت است که رویه و اراده دولت ها در آن تجلی پیدا می کند (امین زاده، شارق، ۱۳۹۷، ۷۹). رژیم حقوقی سازمان ملل راجع به آب های تاریخی درباره زمان بیان می دارد: «هیچ زمان خاصی را که بتوان برای شکل گیری عرفی که حاکمیت تاریخی بر آن مبتنی باشد، نمی توان مشخص کرد. این موضوع باید مورد قضاوت قرار گیرد که چه میزان زمان باید برای شکل

¹ Effective Control

گیری عرف کافی دانست» (Un, 1962:15). بوچز^۱، تعیین مدت زمان را امری موردی می‌داند که بسته به اوضاع و احوال هر قضیه مشخص می‌شود (Bouchez, 1964:254).

ایجاد حقوق تاریخی مستلزم حداقل آشکار شدن رضایت ضمنی از طرف سایر دولت‌هاست. در واقع حاکمیت و حقوقی که در آب‌ها ایجاد می‌شود، در نتیجه گذشت مدت زمان قابل ملاحظه و سکوت و اغماضی است که دولت‌ها نسبت به آن وضعیت اتخاذ می‌کنند. حاکمیتی که از این طریق مطرح می‌شود در واقع نتیجه مرور زمان است که اصطلاحاً تحت عنوان "اصل مرور زمان مملک"^۲ طرح می‌شود. چنین حاکمیتی در واقع دو بعد دارد: از یک طرف، به عنوان ابزاری برای کسب حاکمیت مورد استناد قرار می‌گیرد و از طرف دیگر، عدم امکان استناد به فرایند قضایی است. به عبارت دیگر، اگر دولت ذینفع در مدت زمان معقول به آن وضعیت اعتراض نکرده و موضوع را نزد یک مقام ذیصلاح مطرح نکرده باشد، سکوت دولت ذینفع امکان استناد وی به حقیق با مرور زمان را از بین می‌برد و این امر منجر به ایجاد محدودیت و از بین رفتن ادعای حاکمیت می‌شود. مورد اول، اصطلاحاً تحت عنوان اصل "مرور زمان مملک" قرار می‌گیرد. در واقع این اصل بر جنبه مثبت اصل حاکمیت تدریجی^۳ تاکید دارد. به بیانی دیگر، سکوت و انصراف دولت‌های ذینفع از مخالفت با ادعای دولت متصرف، حاکمیتی را به نفع وی ایجاد می‌کند (Blum, 1965: 6). لذا سکوت یک دولت می‌تواند امکان استناد دولت سکوت کننده به حقیق را کاهش دهد که تحت عنوان دکترین "انقضای حق با مرور زمان"^۴ طرح می‌گردد. همانطور که توضیح آن رفت، اعراض دولت ذینفع در مدت زمان طولانی، امکان استناد وی به حقیق را سلب می‌کند. در این معنا با "خود محدود سازی"^۵ در حقوق کامن‌لا هم معناست. در واقع این دو مفهوم دو روی یک سکه هستند اما زمانی که به اصل حاکمیت تدریجی اشاره می‌شود منظور بعد مثبت این اصل یعنی "مرور زمان مملک" است. این اصل در دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای متعددی مورد استعمال قرار گرفته است که از جمله مهمترین قضایا اختلاف بین ایالات متحده آمریکا و انگلستان راجع به اختلافات مرزی گویان بریتانیا و ونزوئلا^۶ می‌باشد. با این حال دیوان از به کار بردن اصطلاح اصل "مرور زمان مملک" خودداری می‌کند و حتی در صورت لزوم از عبارت

¹ Bouchez

² Acquisitive of Prescription

³ Prescription

⁴ Extinctive Prescription

⁵ Limitation

⁶ British Guiana-Venezuela Boundary Dispute

حقوق تثبیت شده^۱ استفاده می‌کند (امین‌زاده، شارق، ۱۳۹۷، ۷۹).

رضایت

اعمال حاکمیت تاریخی در دریا با خشکی فرق دارد و بر اساس اصل آزادی دریاها دریا متعلق به کلیه کشورها است. لذا ادعای تاریخی بودن پیکره‌ای از آب دریا تنها یک دولت را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد بلکه به حق جامعه بین‌المللی تجاوز می‌کند. در حالی که علی‌القاعده در سرزمین خشکی، موضوع تنها در رابطه با دو دولت مطرح است. همانطور که پیش از این اشاره شد بررسی رویه قضایی نشان می‌دهد حاکمیت تاریخی در مورد آب‌هایی اعمال می‌شود که عمدتاً آبهای داخلی محسوب می‌شوند اما اعمال حاکمیت تاریخی در دریای آزاد می‌تواند حقوق جامعه بین‌المللی را با توجه به اصل آزادی دریا تحت تاثیر قرار دهد. در دریای آزاد ۶ نوع آزادی از جمله: آزادی دریانوردی، آزادی هوانوردی، آزادی نصب خطوط لوله و کابل‌های دریایی، آزادی ایجاد جزایر مصنوعی و تاسیسات مجاز، آزادی ماهیگیری و آزادی تحقیقات علمی وجود دارد (پورنوری، ۱۳۹۴، ۱۳۷). این واقعیت غیرقابل انکار است که دریای آزاد متعلق به کل جامعه بین‌المللی است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹، ۳۴۶-۳۴۷) و هیچ کشوری نمی‌تواند بطور یک جانبه به اعمال حاکمیت تاریخی پرداخته و به حقوق جامعه بین‌الملل بی‌اعتنا باشد.

اطلاع^۲

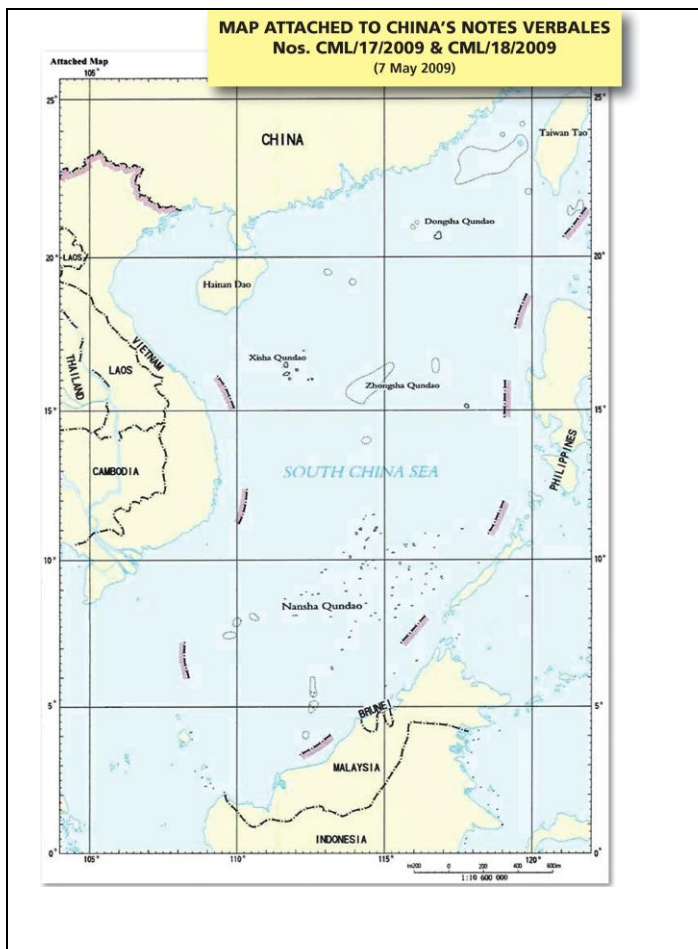
اوپنهایمر اذعان می‌دارد: «اطلاع یک اصطلاح فنی است برای اطلاع به سایر کشورها و دولت‌ها، راجع به وقایع و حوادثی است که از نظر حقوقی حائز اهمیت هستند». (Goldie, 1984: 142). برای آنکه دولت‌ها بتوانند نسبت به وضعیت مورد ادعا، موضع خود را اعلام دارند واضح است که باید از آن وضعیت آگاه باشند. چرا که رضایت برای شکل‌گیری حقوق تاریخی الزامی است (Johnson, 1950: 332). به عبارت دیگر از آنجایی که آگاهی پیش شرط اعلام رضایت است، وضعیت جدید باید به اطلاع سایر دولت‌ها برسد. ادعای تاریخی باید توسط مقامات رسمی کشور اعلام گردد (Blum, 1960: 142). دولت‌های معترض می‌توانند به صورت عملی یا کتبی از طریق دیپلماتیک نسبت به وضعیت مورد ادعا اعتراض نمایند. هدف از این اعتراض آن است که دولت معترض اعلام دارد وضعیت مورد ادعا را مورد شناسایی قرار نمی‌دهد. برای از بین بردن فرض

¹ Established Right

² Notoriety

رضایت، اعتراض اهمیت دارد. در پرونده نروژ دیوان عرض ۱۰ مایل را در مورد نروژ قابل اعتراض ندانست، چراکه همیشه نسبت به آن معترض بوده است (Fisheries Case, 1951: 131).
 اعتراض صرف بدون اتخاذ اقدامات بیشتر تأثیری ندارد و بدیهی است اعتراضی که با اقدامات دیگری همراه نباشد، ارزش و قدرت خود را از دست می‌دهد. (Blum, 1960: 166).

موقعیت جغرافیایی خطوط ۹ گانه مورد ادعای چین^۱



¹ U.S. Department of State. 2014. Maritime Claims in the South China Sea, Report No. 143 December 5.

a. Dash 1



b. Dash 3



c. Dash 4



d. Dash 5



e. Dash 7



f. Dash 8



شایان ذکر است که کشور چین اعداد فوق را به خطوط ارایه شده‌اش اختصاص نمی‌دهد. همچنین فاصله خطوط ارایه شده توسط چین با یکدیگر یکسان نیست، بطوریکه فاصله بین خطوط ۳ و ۴ به میزان ۲۷۴ مایل دریایی و فاصله بین خطوط ۷ و ۸ به میزان ۱۰۶ مایل دریایی از یکدیگر می‌باشد. خط ۹ نقطه‌ای در نزدیکی دریای سرزمینی و جزایر ساحلی کشورهای ساحلی در دریای چین جنوبی قرار گرفته‌اند. خط شماره ۱ به فاصله ۵۰ مایل دریایی از ساحل سرزمینی^۱ ویتنام و ۳۶ مایل دریایی از جزیره دریایی^۲ لی سون^۳ این کشور قرار دارد. خط شماره ۳ به فاصله ۷۵ مایل دریایی از نزدیک‌ترین جزیره اندونزی به نام پولاسکاتونگ^۴ قرار دارد. خط شماره ۴ به فاصله ۲۴ مایل دریایی از جزیره مالزی به نام بورنئو^۵ قرار دارد. خط شماره ۵ به فاصله ۳۵ مایل دریایی از نزدیک‌ترین نقطه جزیره بالاباک^۶ واقع در جنوب شرق فیلیپین قرار دارد. خط شماره ۹ نیز به فاصله ۲۶ مایل دریایی از جزیره یامی^۷ شمالی‌ترین جزیره فیلیپین، قرار دارد. بطور کلی این خطوط ترسیم شده، به کشورهای ساحلی نزدیکتر هستند تا به نزدیک‌ترین جزایر در داخل دریای چین جنوبی. به عبارت دیگر، فاصله-

¹ mainland coast
² coastal island
³ Ly Son
⁴ Pulau Sekatung
⁵ Borneo
⁶ Balabac
⁷ Y'Ami

ی بین خطوط ترسیم شده و جزایر دریای چین جنوبی، عموماً از فاصله آن خطوط تا کشورهای ساحلی بیشتر است. بین نقشه جغرافیایی خط ۹ نقطه‌ای چین در سال ۲۰۰۹ و دیگر نقشه‌های این کشور تناقض وجود دارد. از جمله در مقایسه با نقشه سال ۱۹۴۷ این کشور. خط ۹ نقطه‌ای سال ۲۰۰۹ قابل اعمال بر روی نقشه سال ۱۹۴۷ و حتی نقشه‌های حال حاضر نمی‌باشد و دلیل آن اینست که این نقشه‌ها در اندازه و نقاط مختلفی ترسیم شده‌اند. خطوط نقشه سال ۲۰۰۹ از خطوط نقشه سال ۱۹۴۷ در کل کوتاه‌تر بوده و به ساحل کشورهای ساحلی نزدیکتر می‌باشد.^۱

ماهیت خط ۹ نقطه‌ای مورد ادعای چین

کشور چین در سال ۲۰۰۹ با صدور نقشه‌ای که به دبیر کل سازمان ملل متحد داده شد، خبر از ترسیم خط ۹ نقطه‌ای در دریای چین جنوبی داد. البته خط ۹ نقطه‌ای ترسیم شده توسط چین مسبوق به سابقه بود و نتیجه تبدیل صخره و ریف‌ها (دیواره‌های مرجانی) به جزیره توسط این کشور بود که با ادعای دارا شدن دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، بخش اعظمی از این دریا تحت تملک و سیطره چین قرار گرفت و از منابع زنده و غیرزنده بیش از ۹۰ درصد از دریای چین جنوبی بهره مند گردید. حتی از ماهیگیری سنتی ماهیگیران فیلیپینی در جزیره اسکار بورو شول و تردد آزاد کشتی‌ها جلوگیری به عمل آمد. صرف نظر از منابع مهم غذایی و معدنی که سرآغاز اختلاف بر سر این دریا است، آنچه سبب شعله ورتن شدن آتش اختلافات میان ۱۰ کشور ساحلی حاشیه این دریا شده، اکتشاف میادین بسیار غنی نفت و گاز است. (عصاری ۱۳۹۳، ۱۶۵). پکن با سرمایه‌گذاری هنگفت، ۸ جزیره مرجانی را با خاک‌ریزی به سطح دریا آورده و با ایجاد استحکامات درصدد بهره‌برداری از آن‌ها است و اطراف آن‌ها را جزئی از آب‌های سرزمینی تلقی می‌کند (عباس زاده فتح آبادی، رضانی، ۱۳۹۶: ۶۰). نقشه خط ۹ نقطه‌ای اولین بار رسماً در قالب یک نقشه به سال ۱۹۴۸ در زمان جمهوری چین به سازمان ملل متحد ارائه گردید که شامل ۱۱ نقطه بود. در مورد خط ۹ نقطه‌ای تئوری‌های متفاوتی مطرح شده است که متعاقباً بررسی می‌شود. بنا بر یک نظر خطوط ترسیم شده مذکور خطوط مبدا هستند و در نتیجه آب‌های آن را آب‌های داخلی تلقی کردند. لیکن بنا بر رای دیوان در قضیه شیلات نروژ «تحدید حدود دریایی یک جنبه بین المللی دارد، نمی‌توان آن را تنها به اختیار کشور ساحل گذاشت که قواعد مربوط را در قانون ملی

^۱ <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2019/10/LIS-143.pdf>. P. 5.

خود درج کند. گرچه درست است که عمل تحدید حدود لزوماً یک اقدام یکجانبه است، زیرا فقط کشور ساحلی دارای شرایط انجام آن است ولی اعتبار حدود تعیین شده در قبال دیگران بستگی به حقوق بین الملل دارد» (Fisheries Case, 1951: 132). همچنین کنوانسیون حقوق دریاها در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بر این نکته تأکید می‌کند که در مورد کشورهای مجاور و مقابل باید با توافق دولت های ساحلی صورت گیرد. به علاوه بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها خط مبدا نمی‌تواند بیش از ۱۲ مایل از خط ساحلی فاصله داشته باشد. همچنین برخی از حقوقدانان به درستی برآنند که خطوط نه گانه را نمی‌توان خط مبدا اعم از عادی یا مستقیم دانست. تئوری دیگری که طرفداران بیشتری دارد، بررسی ادعای تاریخی در رابطه با آبهای محصور در خطوط ۹ گانه است. بنابر ادعای این حقوق‌دانان جمهوری خلق چین از حق حاکمیت تاریخی بر این مجموعه از آبها برخوردار است و لذا بر تمام جزایر و عوارض زمینی در این منطقه حاکمیت دارد و می‌توان این آبها را تاریخی دانست. نتیجه آن که چین دارای حقوق تاریخی بر منابع شیلات، منابع نفت و گاز و کشتیرانی در این منطقه می‌باشد. دولت چین نیز این ادعا را تایید می‌نماید. بنابر قانون مناطق دریایی جمهوری خلق چین، دریای سرزمینی کمربند دریایی است در مجاورت سرزمین چین که شامل سرزمین اصلی، سواحل تایوان و همه جزایر متعلق به چین از جمله مجموعه جزایر ناشناخته^۱ و ایکشا^۲ می‌شود (امین‌زاده، شارق، ۱۳۹۷، ۸۸).

همانطور که پیشتر اشاره شد، فیلیپین در راستای حل تعارضات و اختلافات موجود، ناچار شد طبق روش داوری اجباری که در ضمیمه هفتم کنوانسیون حقوق دریاها پیش‌بینی شده است، به دیوان داوری متوسل شود. در جریان رسیدگی به دعوی فیلیپین بر علیه چین، دیوان داوری به سه مورد اشاره می‌کند که چین در آن حقوق تاریخی در این منطقه را ادعا میکند: الف) اعلامیه شرکت نفت چین در سال ۲۰۱۲ ب) دولت چین به ادعاهای فیلیپین در جزایر اسپراتلی اعتراض کرده است پ) همچنین صدور اعلامیه در سال ۲۰۱۲ با عنوان "ممنوعیت ماهیگیری تابستانه در دریای چین جنوبی" نمونه دیگری است که چین در آن بر حقوق تاریخی خود تأکید می‌کند. فیلیپین نیز برای رد ادعای چین سه استدلال ارائه می‌دهد: ۱- اصل آزادی دریاها مانع از آن است که دولتی آبهای آزاد را متعلق به خود بداند ۲- هر دولت تنها بر مناطق شناخته شده در کنوانسیون ۱۹۸۲ حاکمیت دارد ۳- حتی اگر چین بر

¹ Spartly

² Parcel

مناطق ادعایی کنترل داشته، پس از پیوستن به کنوانسیون، حقوق‌اش ذیل کنوانسیون قرار گرفته و نقض شده است.^۱ دیوان بیان می‌دارد حقوق تاریخی مبتنی بر عرفی است که در طول تاریخ شکل می‌گیرد^۲ و بدیهی است شکل‌گیری آن مستلزم وجود رویه گسترده و یکنواخت دولت‌ها است. دیوان اما بیان می‌دارد که نمی‌تواند وحدتی اینچنینی را در رویه چین شاهد باشد. (امین‌زاده، شارق، ۱۳۹۷، ۸۹).

بررسی مشروعیت خطوط ۹ گانه چین بر اساس کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها

آنچه حاکمیت دولت‌ها در عرصه بین‌الملل را محدود می‌کند پذیرش تعهدات است و دولت‌ها به ازای هر پذیرش تعهد گامی به سوی محدود شدن حاکمیت خود برداشتند. کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) نظم حقوقی جامعی را برای دریاها و اقیانوس‌های جهان وضع کرده است. کنوانسیون در قسمت پانزدهم خود نظام حل و فصل اختلافات را مقرر نموده است. فیلیپین کنوانسیون را در ۸ می ۱۹۸۴ و چین کنوانسیون را در ۷ ژوئن ۱۹۹۶ مورد تصویب قرار داده و از اعضای این کنوانسیون محسوب می‌گردند و به تبع حقوق و تکالیف ناشی از این کنوانسیون برای آنها لازم‌الاتباع می‌باشد. زمانی که دولت‌ها به کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ پیوستند پذیرفتند که دریای آزاد شامل کلیه قسمت‌های دریا به جز منطقه انحصاری اقتصادی فلات قاره آبهای مجمع‌الجزایری دریای سرزمینی و آب‌های داخلی می‌باشد. به طور کامل دریای آزاد به روی تمام دولت‌ها باز است و هیچ دولتی نمی‌تواند ادعای حاکمیت یا صلاحیت در قسمتی از آن را داشته باشد، چرا که حقوق تاریخی جنبه استثنایی دارد. به عبارت دیگر با پذیرش تعهدات ناشی از کنوانسیون دولت‌ها پذیرفتند که سایر حقوق و تعهداتشان ذیل کنوانسیون قرار گیرد. بنابراین حتی اگر دولت‌ها، حقوقی بر اساس عرف بین‌الملل به دست آورده بودند، در صورت تعارض با قاعده معاهداتی، بر اساس برابری تعهدات ناشی از عرف و معاهده و قاعده "لاحق‌ناسخ سابق" ذیل آن قرار می‌گیرد مگر آنکه معاهده، خود صریحاً به حفظ آن حقوق اجازه داده باشد. (همان، ۱۳۹۷، ۹۳).

داوری بر طبق ضمیمه هفتم

فیلیپین در مورخ ۳۰ مارس ۲۰۱۴ لایحه و دادخواست خود را به استناد مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ و بر طبق ماده ۱ ضمیمه هفتم کنوانسیون به دیوان داوری تقدیم نمود و از دیوان

¹ The Matter of the South China Sea Case, 2016: 186.

² Ibid. 227.

داوری موارد متعددی را درخواست کرد، از جمله: ۱- حقوق خاص طرفین و تکالیف آنها در دریای چین جنوبی ۲- رسیدگی دیوان داوری به ادعاهای چین در مورد خطوط ۹ نقطه ای ۳- توصیف درست ویژگی های دریایی بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها و ۴- احقاق حق فیلیپین در مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره. فیلیپین در مرجع داوری در جستجوی رأی در رابطه با ۳ موضوع مرتبط با یکدیگر است. اول اینکه به دنبال بیانیه های مربوط به حقوق و تکالیف طرفین در رابطه با آب‌ها، بستر، ویژگی‌های دریایی دریای چین جنوبی بر طبق کنوانسیون می‌باشد. دیگر اینکه ادعاهای چین در مورد حقوق تاریخی که در خطوط ۹ گانه قرار می‌گیرد، ناسازگار با کنوانسیون بوده و در نتیجه بی اعتبار است. همچنین فیلیپین به دنبال توصیف درست جزایر، صخره ها و پیشروی های جزر و مد می‌باشد. در آخر هم فیلیپین در پی اثبات این موضوع است که چین با تمسک به حقوق حاکمیتی، کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها را از طریق ساخت و ساز و همچنین فعالیت‌های یکجانبه نقض کرده و به محیط زیست دریایی نیز صدمه وارد می‌نماید. فیلیپین تأکید می‌نماید که از دیوان نمی‌خواهد تا درباره جنبه‌های حاکمیتی اختلاف انشا رای نماید و همین طور با آگاهی از اینکه در سال ۲۰۰۶ چین مطابق با کنوانسیون بیانیه ای صادر کرده و تعیین حدود مرز دریایی را از زمان پذیرش روش های حل و فصل اجباری اختلافات مستثنی کرده، از دیوان درخواست تعیین حد و مرز دریایی را ندارد.

دولت چین با صدور اعلامیه ای در روز ۲۵ از ماه اوت سال ۲۰۰۶ اعلام می‌دارد: «حکومت چین هرگونه فرایند رسیدگی در قسمت دوم از بخش ۱۵ کنوانسیون در رابطه با حل و فصل اختلافات مندرج در بند ۱ (الف-ج) ماده ۲۹۸ کنوانسیون حقوق دریاها را نمی‌پذیرد». (همان، ۱۳۹۷، ۷۲). دیوان داوری برای بررسی ایرادات مقدماتی تصمیم گرفت به سند موضع چین و بررسی آن بپردازد. البته از آنجاییکه دیوان وظیفه دارد راسا صلاحیت خود را احراز نماید، فقط به سند موضع اکتفا نکرد و مسائل دیگری را نیز مد نظر قرار داد. یکی از این مسائل اینست که آیا دیوان بایستی به علت غیبت یکی از طرفین در داوری از انجام داوری امتناع نماید. چین در سند موضع خود مکررا ادعا می‌کرد که دیوان داوری صلاحیتی برای رسیدگی به این موضوع ندارد و درخواست شروع به داوری فیلیپین را فاقد مبنا و استناد حقوقی می‌دانست.

خواسته‌های فیلیپین

ماهیت اختلاف، ادعای چین در مورد حقوق تاریخی در دریای چین جنوبی است که این خارج از کنوانسیون می‌باشد و حقوق کشورهای دیگر را نادیده می‌گیرد. اختلاف بین فیلیپین و چین در دریای چین جنوبی بیش از یک سطح دارد؛ حاکمیتی و غیرحاکمیتی. اختلاف ممکن است جنبه‌های مختلفی داشته باشد که مانع از قرار گرفتن بعضی از آن‌ها در صلاحیت نمی‌شود. هیچ نیازی به تعیین حاکمیت قبل از بررسی حقوق دریایی در عوارض دریایی چین جنوبی نیست. مسأله‌ی حق، همه‌ی منافع جامعه‌ی بین‌المللی را در بر می‌گیرد، در مقابل مسأله‌ی حدود دریایی فقط کشورهای ذینفع را در بر می‌گیرد و زمانی که حقوق دریایی هم‌پوشانی داشته باشد مطرح می‌شود. فیلیپین با اشاره به اعلامیه‌های خود می‌گوید که هر یک از خواسته‌هایش بشرح زیر موضوعی از اختلافات حقوقی است.

خواسته ۱ و ۲- ادعای گسترش حقوق دریایی چین از حد مجاز مقرر در کنوانسیون حقوق بین‌المللی دریای خارج است و ادعای آن در مورد حقوق تاریخی شامل حقوق حاکمیتی و صلاحیت در مناطق دریایی احاطه شده در خطوط نه نقطه‌ای خارج از حدود کنوانسیون بین‌المللی دریای می‌باشد.

خواسته ۳- موضع فیلیپین نسبت به جزیره‌ی اسکاربروگ شول در بر طبق ماده‌ی ۱۲۱ (۳) صخره است که متضاد با موضع چین است که می‌گوید این ویژگی یک جزیره است.

خواسته ۴- موضع فیلیپین که ویژگی میشف ریف و توماس شول یک پیشروی جزر و مد است که حقی برای داشتن منطقه‌ی دریایی ایجاد نمی‌کند. این موضع مخالف نظر چین است که می‌گفت ویژگی‌های فوق که تحت مالکیت چین است به طور کامل حق داشتن دریای سرزمینی، منطقه‌ی اقتصادی انحصاری و فلات قاره را دارند.

خواسته ۵- اختلاف بر اینکه آیا میشف ریف و توماس شول دوم قسمتی از منطقه‌ی اقتصادی انحصاری و فلات قاره فیلیپین است؟ آیا میشف ریف و توماس شول دوم در جزایر نان‌شای چین قرار گرفته است؟ آیا جزایر اسکاربروگ شول می‌توانند منطقه‌ی اقتصادی انحصاری و فلات قاره ایجاد کنند؟

خواسته ۶ - اختلاف مربوط به اینکه آیا گارن‌ریف و مک‌کنان ریف (شامل هاگیل ریف) پیشروی جزر و مد هستند؟ که در نتیجه هیچ حق دریایی ایجاد نمی‌کند.

خواسته ۷ - اختلاف بر سر اینکه آیا سه ریف (جان‌سون - کارترون - فایری کراس ریف) حق

منطقه‌ی اقتصادی انحصاری و فلات قاره ایجاد می‌کند؟

خواسته ۸- اختلاف بر سر اینکه چین در فعالیت قانونی فیلیپین (اکتشاف نفت، زلزله‌نگاری و ماهیگیری درون دویست مایل سواحل دریایی فیلیپین) مداخله کرده است و در نتیجه باور غلط چین که حقوق حاکمیتی خارج از حقوق بر طبق کنوانسیون حقوق دریاها است.

خواسته ۹- اختلاف بر مشروعیت بر طبق کنوانسیون حقوق بین‌المللی دریاها نسبت به تبعه کشتی‌ها در مناطقی که فیلیپین در آنجا حقوق حاکمیتی اعمال می‌کرده است.

خواسته ۱۰- اختلاف براینکه چین به طور غیرقانونی از ماهیگیری سنتی ماهیگیران فیلیپینی در دریای سرزمینی اسکاربروگ شول جلوگیری کرده است.

خواسته ۱۱- اختلاف درباره‌ی قصور چین برای حفاظت و نگهدای محیط زیست دریایی در اسکاربروگ شول و توماس شول دوم

خواسته ۱۲- اختلاف بر سر توصیف میشف ریف که پیشروی جزر و مد است و در منطقه‌ی اقتصادی انحصاری فیلیپین و فلات قاره‌اش قرار دارد.

خواسته ۱۳- اعتراض فیلیپین بر علیه ادعای چین مبنی بر اجرای قانونی فعالیت‌هایی که ناقض کنوانسیون و مقررات بین‌المللی در جلوگیری از تصادم در دریاست.

خواسته ۱۴- اختلاف درباره‌ی فعالیت‌های چین در توماس شول دوم و جلوگیری از گشت-زنی دریایی پرسنل فیلیپینی و مداخله در دریانوردی فیلیپین.

۱۵- چین باید ادعاها و فعالیت‌های غیر قانونی خود را متوقف کند.

موضع چین

چین در سال ۲۰۰۶ بیانیه‌ای صادر کرد که تعیین حدود مرز دریایی را از موارد قابل طرح روش‌های حل و فصل اجباری اختلافات بر طبق کنوانسیون مستثنی کرد. چین دائماً توسل فیلیپین به داوری را رد می‌کرد و معتقد بود ادعاهای مطرح شده توسط فیلیپین در اصل موضوع تحدید حدود دریایی است که چین رسیدگی به این موضوعات را طبق بیانیه سال ۲۰۰۶ خود از قلمرو شمول کنوانسیون خارج کرده است. با همین استدلال چین در رسیدگی‌های دیوان داوری شرکت نکرد و آن را برسمیت نشناخت. عدم شرکت چین در دعوا وظیفه دیوان را در رسیدگی عادلانه سخت‌تر کرد. در ادامه کشور چین اقدام به انتشار سند موضع خود در ۷ دسامبر ۲۰۱۴ نمود که این سند وظیفه دیوان را تا حدی تسهیل کرده و فقدان حضور چین در رسیدگی‌ها را اندکی پر نمود. چین دو

جنبه از توصیف اختلاف طرفین را در سند موضع ۲۰۱۴ خود بیان کرد. ۱- ماهیت و محتوای این داوری حاکمیت سرزمینی بر چندین ویژگی در دریای چین جنوبی است. که خارج از کنوانسیون می‌باشد و درباره‌ی تفسیر یا اجرای کنوانسیون نیست. ۲- حتی اگر اختلاف طرفین درباره‌ی کنوانسیون باشد، اختلاف ایجاد شده در زمینه‌ی تحدید حدود دریایی بین دو کشور است که در حوزه‌ی بیانیه‌ی چین در سال ۲۰۰۶ قرار می‌گیرد. از دیگر ادعاهای چین این بود که چین و فیلیپین از طریق اسناد دوجانبه و بیانیه رفتار طرفین در دریای چین جنوبی توافق کرده‌اند تا اختلافات فیما بین را از طریق مذاکره حل و فصل کنند و با شروع یکجانبه این داوری، فیلیپین تعهدات خودش را بر طبق حقوق بین الملل نقض کرده است.

نظر دیوان داوری

در رابطه با "حقوق تاریخی" و "خط ۹ نقطه‌ای" که چین مدعی بود بر مبنای آن حاکمیت اش در دریای چین جنوبی محرز بود، دیوان معتقد بود که شواهدی وجود نداشت که کنترل انحصاری دولت چین بر آب‌های مطروحه و منابع موجود در آنها را اثبات کند. به همین ترتیب دیوان اشعار داشت که تمسک دولت چین به حقوق تاریخی و ماسبق فاقد وجهت قانونی بود چرا که دولت مزبور از یک تاریخ مشخص، عضو کنوانسیون حقوق دریاها‌های سازمان ملل مطرح شده بود و لذا مقررات کنوانسیون فی نفسه ارجح بر منابع استنادی تاریخی دولت چین به شمار می‌آمد. لذا بر همین اساس مدعیات چین راجع به منطقه موسوم به "خط ۹ نقطه‌ای" که با تمسک به تاریخ به دنبال اثبات آن بود مردود اعلام شد (PCA Awards, 2016). در رابطه با قانونی بودن اقدامات دولت چین در دریای چین جنوبی، شامل جابجایی صخره‌ها در پایگاه‌های نظامی با باند فرود و رادارهای در حال احداث در طول سال‌های اخیر، دیوان معتقد بود از آنجایی که بخشی از مناطق مورد مناقشه در ناحیه انحصاری اقتصادی دولت فیلیپین واقع شده بود (چرا که اصولاً جزیره نبودند، بلکه صخره بودند) دولت چین حاکمیت دولت فیلیپین را به واسطه مداخله در ماهیگیری و استخراج نفت توسط آنان نقض نموده بود و از طریق ساخت جزایر مصنوعی و جلوگیری از ماهیگیری صیادان فیلیپینی اصولاً تعهدات خود را زیر پا گذاشته بود. دیوان همچنین اظهار داشت که صیادان، اعم از اتباع فیلیپینی و چینی از حیث تاریخی مجاز به مبادرت به ماهیگیری در منطقه اسکاربرو شول بوده‌اند و این در حالی است که چین دسترسی صیادان فیلیپین را در عمل به حقوق حقه خود محدود نموده

است که قانونا صخره بود و می‌بایست دسترسی ۱۲ مایلی دریایی را برای آنها فراهم می نمود (میرزاده، ۱۳۹۷، ۹۶). مضاف بر این، دیوان اشعار داشت که هیچ کدام از جزایر اسپراتلی قانونا جزیره نبودند چرا که اصولا در ذیل تعریف جزیره گنجانده نمی شدند، یعنی فاقد این ظرفیت بودند که "نیازهای جامعه انسانی مستقر را با یک حیات اقتصادی مستقل برطرف نمایند". لذا جزایر مزبور را اصولا نمی شد در زمره منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره قلمداد نمود. در رابطه با ۷ جزیره اسپراتلی که تحت اختیار دولت چین قرار گرفته بودند، برای دیوان محرز شد که ۵ عدد از آنها صخره‌ای بودند، در حالی که ۲ جزیره دیگر، مناطق فرورفته به هنگام اوج جزر و مد بودند و لذا حقوق دریایی خاصی بر آنها مترتب نمی بود و از اینرو نمی شد آنها را مستمسکی برای مطالبه سرزمینی قرارداد. دیوان در ادامه رسیدگی خود راجع به موضوع فوق اشعار داشت که به آب‌های مورد مطالبه در "درون ناحیه انحصاری اقتصادی فیلیپین واقع شدند چراکه نواحی مزبور با هیچ یک از حقوق مورد مطالبه توسط دولت چین منطبق نیستند" (Holmes and Philips, 2016).

در رابطه با صدمات وارد شده به محیط زیست به جهت افزایش مطالبات اخیر چین راجع به توسعه سرزمینی و بنای جزایر مصنوعی در جزایر اسپراتلی، دیوان اشعار داشت که چین خسارات سنگینی به صخره‌های مرجانی وارد نموده و توأم با این اقدام تعهدات خود را در رابطه با حفظ و پیشگیری از صدمه رساندن به اکوسیستم نقض نموده و موجبات بروز خطر را برای موجودات دریایی منطقه فراهم آورده است. مضاف بر این برای دیوان مسجل شد که مقامات مسئول چینی واقف بودند که صیادان چینی مبادرت به انباشت و نگهداری لاکپشت های دریایی، مرجان و صدف-های عظیم‌الجثه در خطر انقراض می نمودند. امری که موجب ایراد خسارت به صخره‌های مرجانی را فراهم آورده بود و علی‌رغم این، مراجع ذی صلاح دولت مزبور ناتوان از ممانعت به عمل آوردن اقدامات فوق بودند (میرزاده، ۱۳۹۷، ۹۶).

اجرای رای صادر شده از سوی دیوان داوری

کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) فاقد تعیین مکانیسم دقیق جهت پیگیری و اجرای آرای دیوان ها است. یعنی همانگونه که تاکنون نیز ادامه داشته است، دولت چین حاضر به تمکین از رای دیوان داوری نشده و رویکرد مخالف خود را نسبت به موضوع همچنان حفظ نموده است. در همین راستا آقای گراهام آلیسون استاد دانشگاه هاروارد و مدیر مرکز بنفر کالج کندی معتقد است که هیچ یک از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد در صورت تعارض رای دیوان های

بین المللی راجع به حقوق دریاها از حیث عدم سازگاری با حاکمیت ملی و منافع استراتژیک‌شان زیر بار اجرا و پذیرش رای صادره در این باره نرفتند (همان، ۱۳۹۷، ۱۰۱). قطعا کشور چین بطور خودخواسته رای صادر شده از سوی دیوان را به اجرا نخواهد گذاشت چه اینکه در رسیدگی‌های دیوان نیز که شرکت کردن در آن بسیار سهل تر بود، حاضر نشد و به دفاع از خود نپرداخت و علت آن را حقوق مسلم و غیرقابل رسیدگی خود در منطقه می‌دانست. دیوان پس از تفسیر بند ۳ ماده ۱۲۱ کنوانسیون، هیچ کدام از عارضه‌ها را جزیره ندانست و در نتیجه بحث تداخل قلمرو دو دولت و لزوم انجام تحدید حدود مطرح نشد. همچنین دیوان تاکید کرد که اقدامات چین در احیا و ویژگی‌های دریایی زیرآب به گسترش صلاحیت و مشروعیت نمی‌بخشد. چین رای دیوان را به رسمیت نشناخت و خواستار حل و فصل اختلاف بر سر جزایر از طریق مذاکره شد. فیلیپین ابتدا این خواسته چین را رد کرد لیکن با تغییر سیاست‌های خارجی این کشور و دوری از آمریکا، در نهایت در ۲۱ اکتبر سال ۲۰۱۶ اعلام کرد با پکن بر سر مسئله دریای جنوبی به توافق رسیده است. (مسرور، حسن‌خانی، ۱۳۹۷، ۱۸۱).

نتیجه گیری

کشور چین خط ۹ گانه ترسیم شده خود را بر اساس حقوق بین الملل روشن ننموده است. قوانین کشور چین، اعلامیه های آن کشور، اقدامات و اظهارات رسمی، همگی شواهد متناقضی را راجع به ماهیت و دامنه ادعاهای این کشور ارایه می‌دهد. شواهد موجود، حداقل حاکی از سه تفسیر متفاوتی است که کشور چین می‌تواند در نظر داشته باشد. اول اینکه این خطوط نقاطی هستند که کشور چین ادعا می‌کند بر جزایر داخل آن و حقوق دریایی که این جزایر طبق کنوانسیون حقوق دریاها ایجاد می‌کند، حاکمیت دارد. دوم، این خطوط مرز ملی کشور چین را مشخص می‌کند و یا حالت سوم اینکه محدوده به اصطلاح، حقوق تاریخی دریایی چین است که شامل انواع مختلفی از حقوق دریایی می‌شود. چنین بنظر می‌رسد که کشور چین علاقه ای ندارد که این موضوع بصورت دقیق روشن شود و ادامه این روند برای این کشور منفعت بیشتری را به همراه خواهد داشت. رای دیوان داوری نیز نتوانسته است این موضوع اختلافی را حل کند و اختلافات در مورد خطوط ۹ گانه مطرح شده توسط کشور چین، با صدور رای دیوان داوری بر علیه این کشور پایان نپذیرفت. چین رای دیوان را قانونی قلمداد نکرد و آنرا خارج از چارچوب و مقررات کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) دانسته و هیچ ارزش و اعتبار حقوقی برای این رای قائل نبود؛ لذا از پذیرش و اجرای آن خودداری نمود. رسیدگی به منشا این حق ادعایی از نظر حقوقی مشکل و نتیجه گیری و صدور رای قاطع، امری

مشکل تر می‌نماید. بنظر نگارنده اگر فرض بر ادعای چین بر اساس حاکمیت تاریخی بر آب‌ها و جزایر و به تبع آن حاکمیت بر حقوق ایجاد شده از جزایر استوار باشد، این ادعا به دلیل عدم وجود مستندات کافی در جهت اثبات کنترل موثر و مستمر جزایر مورد ادعا و همچنین عدم رضایت کشورهای ساحلی و اعتراض آنها به ادعاهای چین و بروز چندین درگیری نظامی و در نهایت با در نظر گرفتن ماده ۸۳ و ۱۵ کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (۱۹۸۲) محکوم به رد است. اما اگر مسئله حاکمیت تاریخی مطرح نباشد و منشا ترسیم خط ۹ نقطه‌ای چین، ویژگی‌ها، عوارض جغرافیایی و جزایر منطقه باشد که با توجه به ماهیت این منابع بتواند اقدام به ترسیم خطوط ۹ گانه نماید، این ادعا نیز با توجه به پیوستن چین به کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها و حفظ عضویت در آن از نظر حقوقی مردود می‌باشد. چراکه کنوانسیون مذکور مقررات مصرّحی در این موضوع داشته که با استناد به آن یک کشور نمی‌تواند بطور یکجانبه اقدام به رسم خطوط مرزی بنماید و کنوانسیون، موضوعات دارای ابهام و تردید را نیز به توافق کشورهای همسایه‌ی مقابل یا مجاور موکول نموده است. البته این عدم اعتبار حقوقی خط ۹ نقطه‌ای کشور چین، به معنای محق بودن سایر کشورهای ساحلی در دریای چین جنوبی یا بی‌حقی کامل چین در نقاط مذکور نیست و بهترین راهکار برای کشورهای منطقه حل موضوع از طرق توافقنامه‌های دو یا چند جانبه منطقه‌ای می‌باشد.

کتابنامه

- اناری ه، (۱۳۹۷)، اصل ثبات مرزها از منظر دیوان بین المللی دادگستری، در کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی-اجتماعی.
- پورنوری، م، (۱۳۹۴)، حقوق دریاها بین المللی و داخلی کنوانسیون ۱۹۸۲، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام عدالت.
- چرچیل، ر. وگن لو، آ. (۱۳۸۱) حقوق بین الملل دریاها، ترجمه ب آقای، تهران: گنج دانش.
- عمید ه، (۱۳۸۶)، اصل استقرار وضعیت حقوقی در اختلافات سرزمینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- امین‌زاده، ا، شارق، ز، (۱۳۹۷)، بررسی مفهوم آب‌های تاریخی با تاکید بر پرونده دریای چین جنوبی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۲۱، شماره ۶۴، صفحات ۷۱-۹۹.
- زرگری نژاد، ن، (۱۳۹۵)، ابعاد حقوقی اختلاف چین و همسایگان آن در مورد جزایر اسپراتلی، مجله پژوهش‌های حقوقی، فصلنامه شماره ۳۳، صفحات ۲۲۹-۲۵۱.
- سالاری، ا، (۱۳۹۸)، وضعیت صخره در حقوق بین الملل دریاها با تکیه بر رای داوری دریای چین جنوبی، مجله اقیانوس‌شناسی، سال ۱۱، شماره ۴۱، صفحات ۲۵-۳۷.
- عباس‌زاده، م، رضانی، ا، (۱۳۹۶)، سیاست چین در دریای جنوبی؛ سیاست قدرت و نفوذ دریایی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۶، صفحات از ۵۹-۸۴.
- عصاری، ا، (۱۳۹۳)، مدیریت بحران‌های مرزی و کشورهای ساحلی منطقه دریای جنوبی چین، فصلنامه دانشکده علوم و فنون مرز، سال ۵، شماره ۳، صفحات ۱۵۵-۱۹۰.
- محمودی، ه، راستگوافخم، ع، (۱۳۹۴)، تقابل برنامه آزادی دریانوردی آمریکا و ادعاهای حاکمیتی چین در دریای چین جنوبی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۱۰، ش ۱، صفحات ۲۷۳-۳۰۴.
- مسرور، م، حسن‌خانی، م، (۱۳۹۷)، بازاریابی ژئوپلیتیکی در دریای جنوبی چین، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۴، شماره ۲، صفحات ۱۶۸-۱۹۶.
- میرزاده، مح، (۱۳۹۷)، بررسی رای دیوان دائمی داوری فیما بین چین و فیلیپین، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره ۳، شماره ۳۳، صفحات ۸۵-۱۰۲.

- میرعباسی، س.ب، کیخسروی، م، (۱۳۹۶)، وضعیت حقوقی آب‌های تاریخی در حقوق دریاها، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، شماره ۴، صفحات ۸۹۵-۹۱۸.
- Bouchez, L.J, (1964), *The Regime of Bays in International Law*, Sythoff, Leyden.
- Blum, Yehuda z, (1965), *Historic Titles in international Law*, Cambridge University Press, Martinus Nijhoff.
- Denmark v. Norway, (1933), *The legal status of Eastern Greenland*, PCIJ, p. 25, www.worldcourts.com
- Gioia Andrea, (1984), *Tunisia's Claims over Adjacent Sea and Doctrine of Historic Rights*, *Syracuse Journal of International Law and Commerce*, Vol. 11, No. 2.
- Goldie, L.F.E (1984), *Historic Bays in International Law-an Impressionistic Overview*, *Syracuse Journal of International Law and Commerce*, Vol. 11, No. 2.
- Holmes, Oliver and Philips, Tom (2016), *South China Sea Dispute: What You Need to Know about the Hague Court Ruling*, www.theguardian.com/news/2016/jul/12/southchinaseadispute.
<https://www.state.gov/wp-content/uploads/2019/10/LIS-143.pdf>.
- ICJ Reports, *Fisheries (United Kingdom v. Norway)*, 1951
- ICJ, *Western Sahra, Advisory Opinion of 16 October 1975*.
- Johnson, D. H. N, (1950), *Acquisitive Prescription in Internatioal Law*, *BYIL*, vol.27.
- Military Clashes in the South China Sea*, *global security*. 2013. <http://www.globalsecurity.org/military/world/war/spratly-clash>.
- Poling, Gergory B (2013), *The South China Sea in Focus*, Center for Strategic & International Studies. Washington DC.
- U.S. Department of State. 2014. *Maritime Claims in the South China Sea*, Report No. 143 December 5.